info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۱۶۷
چهارشنبه ۴ / آبان / ۱۴۰۱
۲۹ / ربیع الاول / ۱۴۴۴
26 / October / 2022

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۲۴۲-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

غزل روز

امروز با حافظ

در این زمانه رفیقی که خالی از خلَل است
صُراحیِ مِی ناب و سفینه غزل است
جریده رو، که گذرگاه عافیت تنگ است
پیاله گیر، که عمرِ عزیز بی‌بدل است

خاطره

می شبانه خمار سحر نمی‌ارزد
خوش آن حریف که مست صبوحی ازل است
جامی

فال روز اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۵۸	۰۶:۲۳	۱۱:۵۰	۱۷:۱۶	۱۷:۳۴

برگه

تکبر زائیده قدرت مادی است و تواضع زاییده ضعف معنوی.
فردریش نیچه

گزارش روز

کوچ فقرا از تهران!

این مهاجرت ظاهری معکوس اما پیامد دیگری به نام حاشیه‌نشینی دارد به این مفهوم که نه تنها رغبت به رفتن از تهران شکل نگرفته که باعث کوچ فقرا به حاشیه تهران شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، خبر تلاه عنوان شده ظاهر جالب توجهی دارد خبر این است: «نرخ مهاجرت در شهر تهران منفی شد» این تیتر درست در راستای اجرای سیاست‌هایی است که تصمیم‌گیران دهه‌هاست به دنبال آن بوده‌اند.

این گفته از زبان معاون عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزیر کشور یا پیوست قید «خوش‌بختانه» اعلام شده است اما در پس این خبر چیز دیگری است که در ادامه گفته‌های این مسئول هم عنوان شده است. اینکه دلیل مهاجرت معکوس از تهران به سمت شهرستان‌های استان انجام می‌شود و دلیل آن گران شدن زمین و مسکن و سخت‌ترشدن شرایط زندگی در تهران است. تهران گران، یکی از سیاست‌های شهری دولت پیشین بود. اینکه چاره کار تمرکززایی در پایتخت را گرانی خدمات عمومی می‌دانستند آنها حتی در پی اجرایی‌شدن طرحی بودند که قرار بود از شهروندان به واسطه عبور از بزرگراه‌های شهری عوارض دریافت کند. همه این گزینه‌ها در حالی روی میز مدیران شهری پیشین بود که در همه این سال‌ها به دلیل تمرکز امکانات در پایتخت، این شهر در صدر فهرست مهاجرپذیرترین شهرهای ایران قرار داشت اما حالا مشکلات گرانی بی‌رویه مسکن باعث شده به‌مسکنان تهرانی رو به مناطق حاشیه‌ای پایتخت کوچ کنند! اتفاقی که بر خلاف «خوشبختانه»خواندن این روبه از سوی معاون عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزارت کشور اتفاق خوشایندی نیست و می‌تواند به افزایش اعتراض عمومی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از افزایش حاشیه‌نشینی کمک کند. سال ۹۵ داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تهران همچنان مقصد اولیه مهاجرین است و ۲۵ درصد از کل مهاجرت‌های ایران با مقصد پایتخت صورت گرفته است ۲۵درصدی که شامل ۵۱۷ هزار نفر در آن سال بوده است. این روند همچنان ادامه دارد و تعداد افرادی که هر سال به جمعیت تهران اضافه می‌شود بیشتر از تعداد افرادی است که تصمیم به ترک پایتخت‌نمی‌گیرند.

این در حالی است که طی دوره دولت یازدهم و دوازدهم یعنی هشت سال اخیر مبلغ اجاره ماهانه به علاوه ۳ درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک متر مربع زیربنای مسکونی در شهر تهران با افزایش ۳۵ برابری از حدود ۱۶ هزار تومان در بهار ۹۲ به حدود ۵۶ هزار تومان در بهار ۹۹ رسیده است: مسکنی که بیش از ۷۰ درصد هزینه‌ها را دربرمی‌گیرد. با این اوصاف سوال این است که پس چه عاملی است که همچنان افراد را مایل به حضور در پایتخت می‌کند؟ جغرافیای آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است مولفه اقتصادی دلیل مهمی در مهاجرت به پایتخت بوده‌اما تنها دلیل نیست و به همین دلیل اتخاذ تصمیم با محوریت گران‌ترشدن هزینه زندگی در پایتخت غیر عقلانی است. او به جام جم می‌گوید: «باید پیش از این اقدام به توزیع عادلانه امکانات رفاهی در سراسر کشور می‌کردیم تا جاذبه مهاجرت به دلیل اشتغال یا امکانات برای شهروندان دیگر شهرها کم شود. تمرکزگرایی در تهران هم باعث تورم در جمعیت بوده و هم مشقت زندگی در این شهر را افزون کرده است وقتی می‌گوییم مولفه‌های اقتصادی تنها عامل مهاجرت نیست به این دلیل است که بدانیم همانطور که درآمد افراد در تهران چند برابر شهرهای دیگر است به همان نسبت هزینه‌های این شهر هم نسبت به دیگر شهرها بیشتر است. آثار مخرب و منفی گران‌ترکردن هزینه زندگی در تهران به مراتب بیشتر است.»

این مهاجرت ظاهری معکوس اما پیامد دیگری به نام حاشیه‌نشینی دارد به این مفهوم که نه تنها رغبت به رفتن از تهران شکل نگرفته که باعث کوچ فقرا به حاشیه تهران شده است. بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی هم معتقدند زمانی که هزینه‌های زندگی در شهر تهران افزایش پیدا می‌کند جمعیتی که از روستاها و شهرهای مختلف به تهران مهاجرت کردند به جای بازگشت به شهر و روستای خود در حاشیه شهر تهران ساکن می‌شوند. طبیعی است که این مهاجرت مشکلات شهر را افزایش می‌دهد چرا که اگر به راه‌گاه اولیه خود بازمی‌گشتند مشکلاتی برای شهر تهران به وجود نمی‌آمد اما زمانی که این افراد به حاشیه تهران مهاجرت می‌کنند قطعا عوقبی را به دنبال خود دارند؛ عوقبی که پیش از این بارها و بارها از سوی کارشناسان حوزه اجتماعی در رابطه با آن گوشزد شده است.

اشاره

برای رفع احساس ناخوشایند چه کنیم؟

درباره موقعیت‌های جمعی که باعث تجربه احساسات ناخوشایند در افراد می‌شود، چه چیزهایی باید بدانیم؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، حال دلم خوب نیست. چی کار کنم؟ می‌خوام بخندم ولی نمی‌تونم. دوست و رفیقام هم همین طور. پیشنهادت چیه؟ هر هفته گذشته این پیام‌ها از سوی یکی از مخاطبان به دست‌مان رسید. از دوست و آشنا و خانواده هم گلایه‌های مشابه. گم نشده‌ایم. اتفاقاتی مثل سیل، زلزله، سوانح هوایی، آتش‌سوزی پلاسکو، ریزش متروپل و موارد مشابه از جنسی هستند که موقعیت «سوگ جمعی» ایجاد می‌کنند. شرایطی که باید مختصات و ویژگی‌هایش را بدانیم تا بتوانیم عکس‌العمل درستی نشان دهیم. این شد که فکر کردیم لازم است درباره چند و چون حال بد جمعی بنویسیم. دکتر «مرین روبن‌زاده» سوگ‌درمانگر، با توضیح دادن پدیده‌ای به نام سوگ جمعی، اطلاعات مفید و به‌درد بخوری در این‌باره به ما می‌دهد.

نباید انتظار انجام کارهای روزمره را داشته باشیم

سوگ جمعی، مشابه سوگ فردی از فقدان ناشی می‌شود. وقتی اعضای جامعه به هر دلیلی دچار فقدان می‌شوند، اضطراب را تجربه می‌کنند و افکارو به سرافشان می‌آید که به غمگینی و ناامیدی منجر می‌شود. از آنجا که جمعیت زیادی درگیر این احساسات هستند، می‌بینیم که در سطح اجتماعی، نمود بیرونی دارد. نکته بسیار مهم در تجربه کردن این موقعیت آن است که متوجه شباهت‌هایش با سوگ فردی باشیم. ما از یک فرد سوگوار انتظار نداریم که بتواند از عهده انجام کارها و روال روزانه زندگی‌اش بربیاید و می‌دانیم که برای بازیابی به فرصت نیاز دارد. از طرف دیگر چنین شرایطی، به دو دلیل می‌تواند نسبت به سوگ فردی، دشوارتر باشد: اول آن که بازه زمانی‌اش مشخص نیست. دوم آن که ممکن است جامعه، یک دست نباشد و این سوگ از سوی مراجع مختلف، تأیید نشود. منظور از تأیید، بحث بر سر درستی و نادرستی موضوع نیست بلکه درباره نوع مواجهه با سوگ است که ممکن است به رسمیت شناخته نشود یا حتی گم‌اهمیت جلوه داده شود. در چنین موقعیت‌هایی، افراد در درجه اول باید بپذیرند که حال‌شان خوب نیست. چون اگر خودشان هم این احساس را در خودشان تصدیق نکنند، خودرنزنی هم به احساسات منفی‌شان اضافه می‌شود.

مسئولیت پذیری به معنای تحمیل بار مضاعف بر خود نیست

بعضی‌ها در چنین وضعیتی، ممکن است خودشان را بابت رمق نداشتن و عقب ماندن از کارهای روزمره، سرزنش کنند. خب بیایید موضوع را از زاویه مسئولیت اجتماعی ببینیم. آیا اگر به اتفاقات محیط پیرامون بی‌اعتنا باشیم و فارغ از موضع‌گیری‌مان از آن‌ها تأثیر نپذیریم، می‌توانیم از مسئولیت‌پذیری و رشد اجتماعی حرف بزنیم؟ فارغ از هم‌نظر بودن یا نبودن با دیگران، بنا به وجوه اشتراک بسیاری که با جامعه‌مان داریم، طبیعی است که در احساسات جمعی شریک باشیم. بنابراین من معتقدم که تجربه کردن احساس خستگی، رخوت و اضطراب در سوگ جمعی نه تنها منفی نیست بلکه مثبت تلقی می‌شود. یکی دیگر از موارد خودسرزنشی در چنین تجربه‌هایی، موقعیت‌هایی است که افراد به رغم داشتن احساس غمگینی، ممکن است گاهی بخندند، خوش بگذرانند و مانند این‌ها درست است که ما می‌گوییم غوطه‌ور شدن در تشت احساسی، نشانه و لازمه بلوغ است اما نباید صفر و صدی به ماجرا نگاه کنیم. مسئولیت‌پذیری اجتماعی با بارگذاری بیش از اندازه احساسات روی خود فرق دارد. ما به افراد سوگوار می‌گوییم وقتی عزیزی را از دست می‌دهند و درجریان آن، بابت اتفاق خوشایندی احساس مثبتی را تجربه می‌کنند، به معنای بی‌معرفت بودن یا ناقلی دوستدار فرد از دست رفته بودن، نیست.

احساسات دیگران را به رسمیت بشناسیم

خب حالا چه باید کرد؟ یکی از مهم‌ترین چیزهایی که خیلی می‌تواند کمک‌کننده باشد، گفت‌وگو کردن است. البته که چندان ساده نیست. در سوگ فردی هم معمولا افراد از گفت و گو فرار و سعی می‌کنند غم‌شان را برای خودشان نگه دارند. نکته مهم در گفت‌وگو کردن، توجه به سوال است. یادتان باشد بازه اختیاری که به افراد می‌دهید، متفاوت است؛ برای مثال وقتی با یک نوجوان گفت‌وگو می‌کنید، باید میزان تحکم کمتری در مقایسه با مخاطب کودک داشته باشید و به جای امر و نهی، سعی کنید از زاویه دیدِ او نگاه کنید. من به عنوان بزرگ سال اگر معتقد باشم که تنها حرف من درست است - ولو که واقعا چنین باشد - امکان شنیدن و پذیرش حرفم را از مخاطب، نوجوانم گرفته‌ام. نکته مهم دیگر درباره نحوه گفت‌وگو، درنظر گرفتن احساس طرف مقابل است. ما نمی‌توانیم به دیگران بگوییم احساس‌شان درست یا غلط است. تنها می‌توانیم درباره درستی و نادرستی فکر پشت احساسات بحث کنیم اما لازمه‌اش این است که ابتدا خود این احساسات را به رسمیت بشناسیم و به آن‌ها مشروعیت بدهیم.

هیجانات را با هم درگیر نکنید

دیگر چه می‌شود کرد تا چنین شرایطی، بار بیش از اندازه به ما تحمیل نکند؟ یادتان باشد هیجانات را با هم درگیر نکنید. بعضی‌های‌مان عصبانیت‌های توی خانه و بیرون از آن را با هم قاطی می‌کنیم اما لازم است بین آن دو در دنیای بیرونی اتفاق می‌افتد و فضای خصوصی داخل خانه، مرزگذاری کنیم. گاهی باید به خودمان استراحت بدهیم و ترومای جمعی را تروماتایز نکنیم یعنی چی؟ سوگ جمعی، یک موقعیت اجتماعی درنداک است و باید حواس‌مان به وجه «اجتماعی»‌اش باشد و موضوع را شخصی نکنیم. همان طور که در سوگ فردی به شخصی که ماه‌ش را ازدست داده‌است، یادآوری می‌کنیم خودش را با چنین افکاری آزار ندهد که مثلا اگر مادرم را زودتر به بیمارستان رسانده بودم، از دنیا نمی‌رفت. در شکل جمعی هم، شخصی‌سازی بیش از اندازه مسئله‌ساز می‌شود. اما این موضوع، به معنای نفی نکردن به این معناست که شرایط بحرانی، زمان رسیدگی کردن به مسائل شخصی قدیمی نیست.

مکث

۱۶ پرچم غیرایرانی علیه پرچم ایران

برلین پایتخت آلمان روز شنبه ۳۰ مهر، محل تجمع اپوزیسیون ضدایرانی خارج‌نشین بود در این تجمع ۱۶ پرچم علیه ایران برافراشته شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، خبرگزاری فارس در گزارشی به بررسی این ۱۶ پرچم برافراشته شده در برلین پرداخت و نوشت: تجزیه‌طلبان مناطق عرب‌نشین نظیر خوزستان در این تجمع با پرچم «الاحوازیه» شرکت کردند. «حرکة النضال الاحوازیه» سال ۱۳۸۴ اعلام موجودیت کرد. هدف این تشکیلات تروریستی استقلال خوزستان از ایران بود. «حبیب اسیود» سرکرده قبلی الاحوازیه در آبان ۹۹ توسط وزارت اطلاعات دستگیر و به داخل ایران آورده شد. تاکنون بیش از ۴۵۰ نفر از شهروندان کشورمان توسط الاحوازیه کشته و زخمی شدند. اکنون سعید حمیدان سرکرده «الاحوازیه» زیر سایه پادشاه سوئد مشغول به طرح‌ریزی جنایات در ایران است.

چند پرچم کمونیست

پرچم گروه‌های تجزیه‌طلب کرد در تجمع ضدایرانی برلین بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد. نکته قابل تأمل اینجاست که تجزیه‌طلبان کرد پس از تجزیه ایران هم نمی‌توانند ذیل یک پرچم واحد جمع شوند! نمونه آن وجود پنج پرچم «اقلیم کردستان»، «جمهوری مهاباد»، «کومله»، «کودار» و «اداره خودمختار کرد در شمال شرق سوریه» بود که همه آنها از سوی تجزیه‌طلبان کرد به اهتزاز درآمد.

مسعود بارزانی سال ۲۰۱۷ رفراندوم تشکیل کشوری مستقل در شمال عراق را برگزار و نیروهای خود را برای جنگ با دولت مرکزی عراق روانه کرد. پروژه تجزیه‌طلبی بارزانی از سوی ایران با شکست اجامید. گروه تروریستی «کومله» به سرکردگی «عبدالله مهتدی» با توجه به وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و ایجاد خلأ قدرت در مناطق مرزی، از فضای به وجود آمده بخصوص در شهر سنندج سوءاستفاده کرده و هدف خود را از تشکیل حکومت کمونیستی بر اساس آموزه‌های مائو واجام کرد. پسرخاله مهسا امینی نیز تحت پرچم کومله مصاحبه تلویزیونی انجام می‌داد. از جمله جنایات کومله «سربریدن با موزائیک» است.

گروه تجزیه‌طلب موسوم به سازمان جامعه آزاد و دموکراتیک شرق کردستان (کودار) هم که پرچم آن افراشته شد وابسته به تروریست‌های پژاک است. پرچم بعدی متعلق به کردهای تجزیه‌طلب شمال سوریه موسوم به «اداره خودمختار کرد در شمال شرق سوریه» بود. این گروه از خلأ حاکمیت دولت سوریه بر مناطق شرق فرات بهره‌برداری کرد و با پشتیبانی ارتش امریکا درصدد ایجاد یک اقلیم کردی در کشور سوریه هستند.

پان‌ترک‌ها و تجزیه‌طلبان بلوچ

تجزیه‌طلبان بلوچ و حامیان جریان تجزیه‌طلبی پان‌ترکیسم نیز در تجمع برلین حاضر بودند. روز نهم مهر ۱۴۰۱ بود که نهادی خودخوانده در پایتخت ترکیه در راستای مبارزه با آنچه رژیم فارس‌گرای ایران خواند، کمیته تشکیلات مجلس ملی آذربایجان جنوبی را به اصطلاح تأسیس کرد تا از نمد آشوب ایران کلاهی نیز برای پروژه پان‌ترک‌های تجزیه‌طلب بافته شود.

در این تجمع، پرچم اوکراین و ارتش آزاد سوریه نیز به اهتزاز درآمد! ارتش آزاد سوریه در سال ۲۰۱۱ تشکیل شد و اعلام جنگ این گروه به دولت سوریه نقطه آغاز بحران مرگبار تروریسم از مرزهای کرمانشاه ایران تا دریای مدیترانه شد.

پرچم «اتحاد جماهیر شوروی سابق»، «رژیم صهیونیستی»، «پرچم بنفش فمنیست‌ها» و «پرچم همجنس‌بازان» نیز از دیگر پرچم‌هایی بود که در تجمع برلین برافراشته شد.

برش

ابوالفضل بیهقی و تاریخ‌نویسی ملی

قرون سوم و چهارم هجری قمری تمدن اسلامی دچار آن چنان گشایشی در علم و دانش شد که امروزه از آن با عنوان رنسانس اسلامی یاد می‌کنند. در آن عهد و دوران، در هر علمی نخبگان مسلمان ترک‌تازی می‌کردند و نام و کام می‌یافتند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، ابوالفضل بیهقی در تاریخ‌نویسی، فارابی در دانش فلسفه، مسکویه رازی در حکمت عملی، ابن سینا در دانش پزشکی، ابوالقاسم فردوسی در خردنامه‌نویسی، خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه‌نویسی، ابوریحان بیرونی در علوم طبیعی و شیخ مفید در علوم شرعی از جمله ستارگان آسمان فکر و فرهنگ ایران زمین بودند.

بیهقی در میان این نامداران از مرتبه‌ای مغفول برخوردار است که شایسته مقام و موقع او در تاریخ اندیشه ایران نیست. تاریخ بیهقی، اثری سرشار از بصیرت‌های پراهمیتی است که دامنه آن تا اندیشه سیاسی و مدنی نیز کشیده می‌شود. با اینکه تاریخ بیهقی همانند برخی دیگر از نوشته‌های تاریخی، فصلی مستقل در اندیشه سیاسی ندارد اما از مهم‌ترین متون برای فهم اندیشه سیاسی است. متنها استنباط و استخراج مفاد سیاسی این تاریخ‌نویسی کاری دشوار و طاقت‌فرسا است.

«جواد طباطبایی» که در پروژه تالیفی خویش به دنبال سرنخ‌ها و سرمنشاءهای اندیشیدن سیاسی در ایران می‌گردد و در این مسیر به سراغ همه متونی که فصلی در اندیشه سیاسی دارند رفته است. درباره شیوه مواجهه با تاریخ بیهقی معتقد است که بر خلاف آن دسته از نوشته‌های تاریخی که در آنها فصل جداگانه‌ای در اندیشه سیاسی آمده، استفاده از این نوشته‌های تاریخی به عنوان منبع تاریخ اندیشه سیاسی آسان نیست. چرا که نیازمند طراحی و تبیین الگویی است که نباید نسبتی با الگوهای مبتنی بر شرق‌شناسی و تتبعات ادبی داشته باشد. از آن رو که چنین الگویی تا اطلاع ثانوی در دست نیست، طباطبایی نیز در کارهای خود به تاریخ بیهقی که شانی برابر با شاهنامه فردوسی در عصر زرین فرهنگ ایران دارد نمی‌پردازد و از آن عبور می‌کند. البته او اشاره‌هایی در کتاب تازه منتشر شده «زوال اندیشه سیاسی در ایران» و همچنین کتاب «دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران» به ابوالفضل بیهقی به عنوان نویسنده‌ای که در مسیر نگارش تاریخ پایه‌ای ایران قرار داشت می‌کند.

برای طباطبایی، تاریخ پایه‌ای، تاریخی است که در آن تکوین و تداوم آگاهی ملی مردم ایران زمین رخ می‌دهد و این مهم در طول تاریخ اندیشه ما کمیاب است و تاریخ بیهقی از این منظر یک خلاف‌آمد است. علت امر چند که تاریخ پایه‌ای یک مشترک لفظی میان بیهقی و طباطبایی است و ناگفته پیداست که ابوالفضل بیهقی یک مقدمات تاریخ‌نویسی زمان خود نمی‌توانست تفسیری از تاریخ پایه‌ای به دست دهد که بتوان آن را مبتنی بر اندیشه جدید تلقی کرد. اما طباطبایی به عنوان یک اندیشمند متجدد، به گرینگاه ادراکی بیهقی در فهم نظریه‌پردازی تاریخی اشعار و اشاره دارد چه اینکه «برخی شهوه‌های بیهقی چنان زرفایی دارد که در هر دوره‌ای مرتبه‌ای و وجهی از آن می‌تواند آشکار شود».

اهمیت بیهقی نزد طباطبایی به این خاطر است که صاحب متفاوت‌ترین رساله تاریخی پیش از آغاز دوره انحطاط تاریخی ایران زمین بوده است. رساله‌ای که اسلوب آن یکسره با دیگر رساله‌های کهن‌زاری ولی پرشمار تاریخی در آن دوره متفاوت است. امری که نهایتا در دوران پایان عصر زرین فرهنگ ایران موجبات زوال اندیشه را فراهم آورد.

به عبارت دیگر «فقدان اندیشه تاریخی عقلانی در ایران در سده‌های متاخر دوره اسلامی به ویژه با یورش مغولان که همه عناصر فرهنگی بازمانده از عصر زرین فرهنگ ایران را از میان برد، موجب شد که تاریخ‌نویسی نتواند مکان تکوین آگاهی ملی ایرانیان باشد و چنان که ابوالفضل بیهقی در آغاز دوره‌ای پرمخاطره برای تاریخ ایران گفته بود، افسانه‌پردازی برای در خواب کردن بود و نه تاریخ بیداری».

اشاره طباطبایی به این بخش از تاریخ بیهقی است که می‌نویسد: «من که بوالفضلم کتاب بسیار فرونگرستم خاصه اخبار و اوزان التقاطها کردم؛ در میانه این تاریخ چنین سخن‌ها را برای آن آرم تا خفتگان و به دنیا فریفته‌شدگان بیدار شوند» بدین‌سان نویسنده بیهقی از منظر طباطبایی ناظر بر تاریخ بیداری به مثابه تاریخ بسط آگاهی ملی می‌است. اما این تاریخ‌نویسی تنها مجهز به دانش وقایع‌نگاری نیست، بلکه مسلح به سلاح نثر پارسی است. به عبارت بهتر «برای نوشتن تاریخ تنها داشتن مواد کافی نیست- هنری هم لازم است که از این مواد استفاده کند؛ یعنی آشنایی که بتواند گذشته محوشده را پیش چشم‌اینندگان مجسم و محسوس سازد و هنر بیهقی اینجاست. در نوشته‌های قدیم کمتر کتابی است که بتواند با کهنگی زبان اینقدر برای خوانندگان جوشه جذبه داشته باشد و هر خوانده‌ای، به شرط آشنایی با زبان، آن را با اولع و اشتیاق و بدون کسالت و ملال بخواند.

هنر بیهقی اوج بلاغت طبیعی فارسی و بهترین نمونه هنر آشنایی پیشینیان است که زیبایی را در سادگی می‌جسته و از تمامی با طبیعت زبانی، مانند طبیعت گرم و زنده و ساده و بلاشکوه داشته‌اند. در کتاب بیهقی نمونه‌های مختلفی از آشاهست و قطعه‌هایی دارد که از حیث بلاغت، سند لیاقت زبان فارسی محسوب می‌شود».

به گفته «سید خلیل خطیب رهبر» بیهقی در نگارش تاریخ خود، شیوه سهل و ممتنع

به کار برده و از سوی دیگر در آفرینش واژگان فارسی هنرنمایی کرده است. چه اینکه برخی از واژه‌های شیوای ساده و مرکبی که در این آمده به‌گزین، بی‌آندام، بی‌گناه‌گونه، پارینه، پایاب، پاپچه، پیاده‌گونه، پیراته‌سر، پیل‌ور، تن‌آسان، جگرآور، خجل‌گونه، خردصرم، خلوت‌گونه، دادگان، درآزآهنگ، درنازسیده، دل‌انگیز، دیوارپست‌سرا، مبیراه‌ایگانگی، رنج‌گونه، روزینه، ریشاریش، زاد و بود، سخت‌سری، سرغوغا، سرهنگ‌شمار، شادروانگ، کارنادیدگان، کم‌اندیشگی، گذاره، گرانمایه‌گونه، گردن‌آورتر، گرمگاه‌مایه‌دار، متواری، گامه‌مرغ‌دل، ناچاره، نرم‌گونه، نوآیین، نوباوه و نوخاستگان از جمله واژه‌هایی است که نه تنها حلاوت خوانش تاریخ بیهقی را دوچندان می‌کند، بلکه نمایشی بلاشکوه از بنیان‌گذاری ترکیب اندیشه تاریخی و نثر پارسی ارائه می‌کند.

رسانه چه خبر

بهبود ۵۸ درصد کودکان مبتلا به سوءتغذیه مراجعه کننده به شبکه‌های بهداشت و درمان

وبدا: مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه معاونت بهداشت وزارت بهداشت گفت: به منظور بهبود وضع تغذیه کودکان زیر پنج سال مبتلا به سوءتغذیه در خانوارهای نیازمند برنامه‌ای برای حمایت تغذیه‌ای این کودکان اجرا خواهد شد. احمد اسمعیل زاده ضمن بیان این که دفتر بهبود تغذیه جامعه معاونت بهداشت با همکاری کمیته امداد امام خمینی(ره) و معاونت‌های بهداشتی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور این برنامه حمایت تغذیه‌ای کودکان زیر پنج سال را اجرا می کند، افزود: در این برنامه، کودکان مبتلا به سوء تغذیه در برنامه مراقبت‌های ادغام یافته کودک سالم شناسائی و به کمیته امداد امام خمینی(ره) معرفی می شوند.

در سال ۱۴۰۱، تعداد ۶۰ هزار کودک در این برنامه تحت پوشش قرار گرفتند. وی ادامه داد: پس از بررسی توسط کمیته امداد امام خمینی، کودک مبتلا تحت پوشش برنامه حمایتی قرار گرفته و مداخله‌های لازم برای بهبود وضعیت تغذیه‌ای وی انجام می‌شود. مراقبت‌های تغذیه‌ای به منزل آموزش، مشاوره تغذیه و پیگیری توسط کارشناسان تغذیه مراکز خدمات جامع از اقدامات برنامه هستند. مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت گفت: بررسی گزارش عملکرد این برنامه در سال ۱۴۰۰، بیانگر بهبودی ۵۸ درصد کودکان مبتلا به سوءتغذیه و آموزش بیش از ۹۰ درصد مادران در زمینه آموزش تغذیه است.

آغاز طرح داروسان در کشور

مهر: مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران گفت: طرح داروسان با هدف تحویل دارو درب منزل بیماران خاص، از استان تهران شروع شده و به زودی در کشور اجرامی شود. محمدمهدی ناصحی با اشاره به اقداماتی که در زمینه خدمات بیمه‌ای در دولت دنبال می‌شود، افزود: امیدواریم مردم از یک بیمه قدرتمند برخوردار شوند. وی گفت: پوشش رایگان ۶ میلیون ایرانی کار بسیار بزرگی بود که در این دولت اتفاق افتاد. ناصحی ادامه داد: در پرداخت‌های دارویار، به روز هستیم تا مؤسسات ارائه دهنده خدمت، از تقدینگی لازم برخوردار باشند. مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران افزود: یکی از طرح‌های مهم بیمه سلامت، بیمه رایگان سه دهک اول جامعه بوده که جمعیتی در حدود ۵.۴ میلیون نفر هستند. وی ادامه داد: در حال حاضر یک میلیون نفر در کشور تحت پوشش بیمه نیستند که امیدواریم برای پوشش بیمه‌ای بر اساس آزمون وسع، اقدام کنند. ناصحی با اشاره به صدور ۱۰۰ میلیون نسخه الکترونیکی، گفت: طرح دارویار، یکی از اقدامات سخت و دشواری بود که در این دولت شکل گرفت. وی افزود: ۲۷ قلم داروی مورد نیاز به زودی در هیأت دولت مصوب می‌شود تا بر تعداد داروهای تحت پوشش بیمه سلامت افزوده شود. ناصحی گفت: راهاندازی صندوق بیماری‌های خاص و صعب العلاج، یکی دیگر از اقدامات ما برای حمایت بیشتر از بیماران است. وی از اجرای طرح دارویار برای تحویل دارو درب منزل بیماران خاص خبر داد و افزود: این طرح را برای ۱۲ هزار و ۵۰۰ بیمار خاص و مزمن در تهران شروع کرده ایم که ۶۸۰۰ نفر آنها بیمارام اس هستند.

خطر ابتلا به کووید ۱۹ شدید در بیماران HIV بیشتر است

سایبنس دیلی: یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد مبتلا به **HIV** که تعداد **CD۴** آنها کمتر از ۳۵۰ سلول در هر میکرولیتر است، باید اقدامات احتیاطی بیشتری در برابر کووید۱۹ انجام دهند. بر اساس مطالعه محققان دانشکده جاتز هایکینز بلومبرگ، به نظر می‌رسد افراد مبتلا به **HIV** که سرکوب سیستم ایمنی متوسطی دارند، پس از واکسیناسیون در معرض خطر ابتلا به عفونت شدید کووید ۱۹ هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که این گروه باید برای دریافت دوزهای یادآور واکسن و سایر اقدامات کاهش دهنده ریسک در نظر گرفته شوند. برای این مطالعه، محققان داده‌های سوابق الکترونیکی سلامت افراد مبتلا و بدون **HIV** را تجزیه و تحلیل کردند. از این تعداد، ۲۶۴۹ نفر در نیمه دوم سال ۲۰۲۱ به عفونت کووید ۱۹ مبتلا شده بودند. محققان دریافتند در میان گروه مبتلا به **HIV**، افرادی که تعداد **CD۴** کمتر از ۳۵۰ سلول در میلی‌متر مکعب خون داشتند، در مقایسه با افراد بدون **HIV**، ۵۹ درصد بیشتر در معرض خطر ابتلا به عفونت‌های شدید بودند. در حال حاضر، محققان به افرادی که دارای نقص ایمنی متوسط یا شدید هستند توصیه می‌کند اقدامات احتیاطی بیشتری برای محافظت از خود در برابر کووید ۱۹ انجام دهند.